

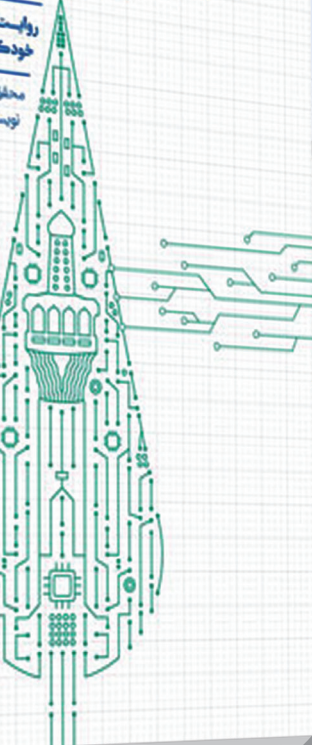
کتابخوان

بین غول‌های نیروگاهی سر در آوردیم



- به توان هایتک
- مصاحبه: بهزاد دانشگر
- تدوین: شبنم غفاری حسینی
- انتشارات: راه یار

به توان هایتک



آمدند و در باره مان پرس و جو کردند. وقتی گفتم سازنده سیستم کنترل نیروگاهیم، زدند زیر خنده. با توضیحاتم خنده‌هایشان کم رنگ می شد و دهان‌هایشان باز می ماند. باورشان نمی شد.

مدام می پرسیدند دانشش راز کجا آوردید؟ مگر شما تحریم نیستید؟ تحت لیسانس کجائید؟ گفتم: «مگر فقط شماها عقل دارین؟ ما هم عقل‌هایمان را ریختیم روی هم و دانشش روبه دست آوردیم.» معلوم بود بدجوری کپ کرده‌اند. می گفتند ما فکر می کردیم با این همه تحریم ایران به یک بیابان برهوت تبدیل شده است. می گفتند منتظر بودیم بعد از تحریم‌ها، بیابان التماسمان کنید برای تان سیستم کنترل نصب کنی. اینجا دیگر ما بودیم که نگاه عاقل اندر سفیه‌شان می کردیم.

در نمایشگاه، پرس و جو کردم که از مسئولین دولتی چه کسی برای بازدید می آید؟ گفتند معاون وزیر انرژی امارات. گفتم می خواهم باهاش صحبت کنم. برایم نوبت زندکده فلان ساعت در حدوده دقیقه، یک ربعی فرصت داری. معاون وزیر یک خانم میان سال بود که در تمام مدتی که من در باره سیستم‌های کنترل نیروگاه حرف می زدم و مترجم ترجمه می کرد، فقط نگاهم کرد و دست آخر گفت: «من اصلاً متوجه نمی شم شما چی میگی!»

روی صندلی جا به جا شدم و گفتم: «مگه شما نیروگاه ندارین؟»

جواب داد: «چرا داریم.»

گفتم: «وقتی خراب می شه، نباید به شرکت بیاد و سیستم کنترلش رو درست کنه؟»

ساخت رامیار اتفاق بزرگی در صنعت خودکفایی کشور بود. بهترین پروژه سال انتخاب شد و مدیرعامل توانیر اعلام کرد این پروژه ایران را در صنعت برق به خودکفایی صدر صدر رسانده است. بعد از آن گروه‌های مختلف و متفاوتی، از جمله پدافند غیرعامل و نیروگاه‌های مختلف، برای بازدید آمدند. در پدافند غیرعامل اولین چیزی که بررسی می کنند عدم ارتباط با خارج از کشور و ۱۰۰ درصد بومی بودن محصول است. از این بابت که مطمئن شدند، به وزارت نیرو توصیه نامه زدند که از این سیستم استفاده شود.

بعد از نصب و راه اندازی رامیار در چند نیروگاه، تصمیم گرفتیم برای آن، مشتری خارجی هم پیدا کنیم. گشتیم و یک نمایشگاه مرتبط پیدا کردیم به نام POWERGEN که مخصوص نیروگاه هاست و شرکت‌های بزرگ سازنده سیستم کنترل در آن شرکت می کنند و قرار بود آن سال در ابوظبی برگزار شود. با هزار درد سر، هزینه‌های کمر شکنش را جور کردیم و با چپه‌ها غر فراه را سر پا کردیم. ما بودیم و یک نمایشگاه بسیار تخصصی که فقط سسی چهل شرکت بزرگ در آن غرفه داشتند. از نیروگاه دارهای حوزه کل خلیج فارس و شرکت‌های بزرگ نفت و انرژی دنیا که از لحاظ صنعتی سطح بسیار بالایی دارند تا شرکت‌های غول دنیا مثل جنرال الکتریک و زیمنس. این وسط، همه به مان نگاه عاقل اندر سفیه می کردند. از شانسمان غرفه مان درست بین غرفه جنرال الکتریک و زیمنس قرار داشت. بازدیدکننده، اول از سیستم کنترل جدید زیمنس بازدید می کرد، بعد می رسید به ما؛ هاچ و واج و مهورت سؤالاتی در باره سیستممان می پرسید و بعد به غرفه جنرال الکتریک می رسید. آمریکایی‌های غرفه جنرال الکتریک که در طول نمایشگاه اصلاً نزدیکمان نشدند؛ اما روز آخر، آلمانی‌ها از غرفه زیمنس به سراغمان